

# بنیامین نتانیا هو یا حمله به ایران جو بایدن را هدف قرار می دهد

هدف اصلی یورش بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل، علیه ایران کارشکنی در مذاکرات هسته ای بین ایالات متحده و تهران است. نشانی از آغاز یک زور آزمائی و کشمکش با دولت جو بایدن.

ترجمه ها: français فارسی

سیلون سیبل < 19 آوریل 2021

ترجمه از فرانسه شروین احمدی

در روز ۱۱ آوریل ۲۰۲۱، کمتر از یک هفته از آغاز مذاکرات غیرمستقیم ایالات متحده و ایران در وین برای بازگشت به مفاد برجام (JCPOA)، انفجارهائی به سایت اصلی غنی سازی نطنز آسیب جدی وارد کرده است. برجام یک توافق نامه بین المللی امضا شده در سال ۲۰۱۵ است که دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد و هدف آن محدودیت تولید مواد شکاف پذیر توسط ایران است. منابع آمریکایی تخمین زدند که «هزاران سانتری فوژ»، از جمله برخی از پیشرفته ترین آنها، آسیب دیده است. مقامات ایران فوراً اسرائیل را به عامل این عمل «تروریستی» بودن متهم کردند. اسرائیل اما این بار، به دنبال پنهان کردن واقعیت این ادعا نبود.

به نظر بسیاری عملیات اسرائیل از منظر تل آویو «برد-برد» بوده است. زیرا اسرائیل به دنبال چیست؟ بنیامین نتانیا هو و اطرافیانش، از روز اول شروع مذاکرات تا زمان امضای برجام مخالف آن بودند و هرگز خصومت خود را نسبت به هر نوع گونه بازگشت به انجام آن پنهان نکرده اند. آنها همچنین تمایل خود را برای انجام هر کار ممکن، عوارض آن هرچه می خواهد باشد، برای ناکام گذاشتن توافق نامه جدید ایران و آمریکا نشان داده اند. در چنین شرائطی، اگر تهران بدون واکنش متقابل به مذاکره با واشنگتن ادامه دهد، در نبود

موضعگیری قدرت های بزرگ امضاکننده این توافق ، اسرائیل تشویق می شود که حملات خود را ادامه و میزان آسیب رساندن آنها را افزایش دهد. از طرف دیگر ، اگر تهران اقدامات تلافی جویانه سختی را در پاسخ به حملات انجام دهد ، اسرائیل استدلال می کند که یک «تهدید» اثبات شده ایرانی وجود دارد. امری که قادر به از بین بردن هرگونه پیشرفتی در مذاکرات وین است.

### تقویت محافظه کاران در تهران

استراتژی ثانویه اسرائیل همچنین تقویت اردوگاه «نه» در تهران برای هرگونه توافقی است. در این جا نیز هرچه مذاکرات وین طولانی تر شود ، نفوذ این اردوگاه بیشتر می شود و اسرائیل امیدوار است که دیر یا زود ، کاسه صبررهبان ایران لبریز شود و در نهایت آنها درب مذاکرات را درهم کوبیده و از آن خارج شوند.

حمله به سایت نطنز اوج یورش نظامی اسرائیل علیه ایران بود که از سه ساله پیش آغاز شده است. این یورش در سه جبهه انجام می گیرد: در سوریه علیه نیروهای ایرانی و نزدیکان آنها و در وهله اول حزب الله. تهران تاکنون به طور سیستماتیک از تشدید درگیری و برخورد متقابل جلوگیری کرده است. هجده ماه پس از آنکه در ماه مه ۲۰۱۹ دونالد ترامپ امضای آمریکا بر این توافق نامه را باطل کرد ، تهران با احترام به مفاد برجام با توسعه انرژی هسته ای نظامی مخالفت کرد و در مقابل حملات دیگر اسرائیل ، به عنوان مثال ترور محسن فخری زاده ، چهره علمی مسئول برنامه انرژی هسته ای در نوامبر سال ۲۰۲۰ ، برخوردی سنجیده داشته است. بالاخره ، در دریاهای عمان و عربستان ، در سواحل دریای سرخ و در مدیترانه ، اسرائیلی ها حملات خود را افزایش داده اند تا نفتکش های ایرانی را که سعی دارند تحریم های آمریکا را دور بزنند ، غرق کنند.

در پایان ماه مارس ، روزنامه وال استریت ژورنال و با جزئیات بیشتر روزنامه اسرائیلی هاآرتس از وجود این «نبرد دریایی» بین دو کشور خبر دارد. تا آن زمان ، اسرائیل و ایران ، هر یک به دلایل خاص خود ، به طور ضمنی تصمیم گرفته بودند که این درگیری های دریایی را مخفی نگه دارند. به گفته روزنامه نگار اسرائیلی یوسی ملمان ، هیچ کشتی ایرانی تاکنون غرق نشده است ، اما بسیاری از آنها به اندازه کافی آسیب دیده اند تا تحویل نفت خود را لغو یا به تأخیر بیندازند. « حدود ۲۰ نفتکش ایرانی صدمه دیدند. (...) طی دو سال و نیم ، هزینه برآورد شده [برای ایران و نزدیکان آن] از ۱ میلیارد دلار فراتر می رود» (۱). پس از فاش شدن اخبار این عملیات ، ایرانیان به سرعت واکنش نشان دادند و در دو کشتی تجاری متعلق به مالکان اسرائیلی در خلیج فارس خرابکاری کردند ، اما به آنها آسیب کمی رساندند تا از اوج گیری خطرناک درگیری جلوگیری کنند. سرانجام ، در ۷ آوریل ، ساعاتی قبل از آغاز مذاکرات وین ، اسرائیل به ساویرز حمله کرد ، یک کشتی باری که احتمال می داد متعلق به سپاه پاسداران ایران در دریای سرخ باشد.

پنج روز بعد حمله به سایت نطنز رخ داد، که ابعاد سیاسی آن با نبردهای قبلی تناسبی ندارد. با این حال، این اولین بار نیست که اسرائیل توانایی ایران در غنی سازی را مورد هدف قرار می دهد. در سال ۲۰۱۰، اولین حمله سایبری که توسط موساد و NSA آمریکا طراحی شد، به یک ویروس رایانه ای موسوم به استاکس نت امکان داد تا به سانتریفیوژهای ایرانی نطنز و بوشهر خسارت قابل توجهی وارد کند. این بار اما حمله بلندپروازانه تر است و می تواند بین شش ماه تا یک سال در توان غنی سازی ایران وقفه ایجاد کند (تهران این ارزیابی را رد می کند). اما مهمتر از همه، زمان این حمله و این واقعیت است که اسرائیل تقریباً علناً مسئولیت آن را می پذیرد. امری که بسیار قابل توجه است.

### مذاکرات در وین در حال پیشرفت است

این حمله در میانه مذاکرات ایران و قدرتهای بزرگ صورت گرفت. همانطور که سرهنگ اسرائیلی ادی اونتالت از انستیتوی سیاست و استراتژی هرتزلیا متذکر شد، اسرائیل می خواست بفهماند که «مسیر رودروئی را انتخاب کرده است» (۲). و دقیقاً به کی بفهماند؟ به ایران البته. این نظر آموس هارل، متخصص مسائل نظامی و استراتژیک روزنامه هاآرتص است. او ادامه می دهد: «اما همچنین به واشنگتن، امری که بی شک مهمتر است» (۳)، تعداد زیادی از تحلیلگران، چه در ایالات متحده و چه در اسرائیل، در این مورد اشتراک نظر دارند. اردوان خوشنود، تحلیلگر مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات در اورشلیم، می گوید که زمان حمله به نطنز تصادفی انتخاب نشده است. این عملیات الزاما در مدتی طولانی تدارک دیده شده و اجرای آن بی ارتباط با شرایط سیاسی نبوده است. اگر، همانطور که وی حدس می زند و رسانه ها گزارش داده اند، آمریکایی ها و ایرانیان در وین در مسیر بازگشت به احترام متقابل به مفاد توافقنامه ۲۰۱۵ در حال پیشرفت هستند، «حمله به نطنز می تواند واکنش به چنین توافقی احتمالی بین ایالات متحده و ایران باشد» (۴)، این تحلیلگر می نویسد. به عبارت دیگر، خرابکاری در نیروگاه برق نطنز پیامی از سوی اسرائیلی است که در درجه اول برای ایالات متحده فرستاده شده است.

همانطور که انتظار می رفت تهران با یک سری اقدامات به خرابکاری سایت خود واکنش نشان داد. پاسخ اول در ابعادی کوچک، یک حمله کم شدت در دریای عرب به کشتی تجاری ای متعلق به یک شرکت اسرائیلی در فردای خرابکاری بود. مورد دوم اعلام آمادگی برای راه اندازی ۱۰۰۰ سانتریفیوژ جدید با کیفیت بالاتر برای رفع خسارت وارده به نطنز بود. سومین واکنش چشمگیرتر بود: ایران اعلام کرد که غنی سازی ۶۰ درصدی اورانیوم را از هفته بعد آغاز خواهد کرد. یادآور شویم که توافقنامه برجام ایران را از هرگونه غنی سازی بالاتر از ۳/۲۷ درصد منع کرده بود. یک سال و نیم پس از آنکه آمریکا امضای خود بر این توافق نامه را پس گرفت، ایران نیز با غنی سازی اورانیوم تا میزان ۲۰٪ خود را از قید بندهای متون آن رها کرد. اما غنی سازی به میزان ۶۰٪ احتمالاً وضعیت را کاملاً تغییر خواهد داد: بر اساس تخمین متخصصین در صورت موفقیت در اینکار ایران می تواند، علی رغم ضربه ای که اسرائیل در ۱۱ آوریل وارد کرد، در فاصله شش ماه

به اندازه کافی اورانیوم غنی شده به میزان ۹۰٪ برای ساختن یک بمب تولید کند. این امر ایالات متحده را دقیقاً در مقابل گزینه بسیار ناخوشایندی قرار می دهد که برجام قصد اجتناب از آنرا داشت: مقابله با ایرانی که دارای توانائی هسته ای است .

### بستن دست پکن و مسکو

اما آیا ایران امکان دنبال کردن چنین سیاستی را دارد ؟ نتانیاهو که هرگز از هیاهو در باره خطر هسته ای ایران باز ننشسته ، در واقع شرط می بندد که این کار ممکن نیست و در مقابل چنین تهدیدی ، اسرائیل موفق خواهد شد ایالات متحده را در کنار خود قرار دهد. با این حال ، در اسرائیل مانند ایالات متحده ، نگرانی ها در مورد تحول خطرناک و غیر قابل کنترل شرايطی اوج می گیرد که می تواند به رویارویی بیانجامد، آموس هارل از « یک لغزش خطرناک و مداوم به سوی رویارویی جدی تر نظامی با ایران» صحبت (۵) و پیش بینی می کند مانند ۲۰۱۵ با یک شکست سیاسی اسرائیل پایان یابد. میثم بهروش ، محقق متخصص ایران در مجله Foreign Policy از اینهم فراتر می رود. وی می نویسد ، خرابکاری اسرائیل می تواند « همان چیزی باشد که ایرانیان به آن نیاز داشتند (...). این حمله نه تنها بهانه ای به ایران برای نصب سانتریفیوژهای پیشرفته غنی سازی اورانیوم بدون پرداخت هزینه سیاسی زیادی را داد ، بلکه دست مسکو و پکن را برای فشار بر ایران برای پذیرفتن یک مصالحه بست » (۶).

می توان فکر کرد که چنین سخت شدن شرايطی، در وهله اول ، به سود اسرائیل نیز خواهد بود ، که هیچ چیز به اندازه بن بست روابط ایران آمریکا، به ارث رسیده از دولت ترامپ، برایش خوشایند نیست. با این حال ، میثم بهروش معتقد است ، خطر تغییر روش ایران در جهت ساخت بمب اتمی اکنون ملموس تر شده است. حتی اگر علی خامنه ای ، رهبر انقلاب ، بارها گفته است که ایران بمب اتمی تولید نخواهد کرد ، آنچه اکنون در حال اتفاق افتادن است « به طرفداری جمعی بی سابقه ای در ایران کمک می کند که بر نیاز به داشتن بمب بمثابه سلاح بازدارنده نهایی تاکید دارد (...). اگر برجام به طور کامل شکست بخورد ، چه به دلیل سازش ناپذیری آمریکا و یا حملات اسرائیل ، راهی جز جنگ برای مهار برنامه نظامی ایران وجود نخواهد داشت. اگر این اتفاق بیفتد ، چه تضمین قابل قبولی خواهیم داشت که ، ایران در مقابل چنین امکانی برای ساخت بمب خود عجله نخواهد کرد ؟ ».

در این فضای افزایش تنش ها ، گزارش سالانه تحول تهدیدهای سال ۲۰۲۱ جامعه اطلاعاتی ایالات متحده ، که در ۱۳ آوریل منتشر شد ، بررسی بسیار آرام تری را به ارمغان آورد. هرچند این گزارش قبل از حمله اسرائیل به سایت نطنز نوشته شده است. و به روشنی ایران هنوز در آن تهدیدی بزرگ برای منافع منطقه ای آمریکا ، به ویژه در عراق ارزیابی می شود. اما در مورد مسائل هسته ای ، این گزارش نتیجه گیری می کند: « ما همچنان معتقدیم که ایران در حال حاضر مشغول به فعالیت های عمده ای نیست که لازمه تولید سلاح هسته ای است .»

(...) ایران همیشه از سرگیری فعالیت های هسته ای خود را به عنوان پاسخی برگشت پذیر به خروج ایالات متحده از برجام ارائه داده و اعلام کرده است که اگر ایالات متحده همین کار را انجام دهد، به طور کامل خود را با شرایط تطبیق خواهد داد» (۷). از اینرو اگر جامعه اطلاعاتی ایالات متحده توصیه ای به رئیس جمهور بایدن داشته باشد، سرعت بخشیدن به توافق سال ۲۰۱۵ است. امری که رهبری اسرائیل را در ناخوشایندترین موقعیت ها قرار می دهد.

این احساس دوری فزاینده بین منافع آمریکا و اسرائیل در ماجرای ایران در ایالات متحده در حال افزایش است. این امر در سرمقاله واشنگتن پست که یک روز پس از خرابکاری اسرائیل در سایت نطنز منتشر شد به وضوح دیده می شود. این سرمقاله با عنوان « حملات فزاینده اسرائیل به ایران ممکن است دیپلماسی بایدن را به خطر بیندازد» به « فاصله عمیق منافع آمریکا و اسرائیل » اشاره کرد. برای اسرائیل نزاع دائمی با ایران یک واقعیت قابل تغییر است، هیچ گونه تنش زدایی قابل تصور نیست [با این کشور]. از طرف دیگر، اگر دولت بایدن موفق شود به توافق نامه [امضا شده در سال ۲۰۱۵] بازگردد، با دست آزاد تری می تواند نیروهای نظامی را از خاورمیانه خارج کرده و خود را بر چالش فزاینده با چین متمرکز کند» (۸).

### الویت چالش با چین

این فکر که ارتباط مستقیمی بین حل و فصل مسئله هسته ای ایران و ظرفیت آمریکا برای مدیریت بهتر مسئله ای که برایش ضروری به نظر می رسد، یعنی رابطه با پکن (و بطور ضمنی با مسکو)، هرچه بیشتر در ایالات متحده رواج می یابد. ایلان گلدنبرگ، مدیر برنامه امنیتی خاورمیانه، مقام ارشد سابق پنتاگون و مشاور وزیر امور خارجه جان کری در سال های ۲۰۱۲-۲۰۱۳، در دوره دوم ریاست جمهوری باراک اوباما معتقد است که «بازگشت به توافق [هسته ای] با ایران برای سیاست خارجی بایدن ضروری است» (۹). اگر این نظر درست باشد، یک رویارویی عمیق بین جو بایدن و بنیامین نتانیاهو یا هر کسی که در آینده نخست وزیر اسرائیل باشد، اجتناب ناپذیر به نظر می رسد.

بایدن چگونه موضع گیری خواهد کرد؟ او تنها کسی است که در موقعیتی قرار دارد که اگر بخواهد می تواند استراتژی اسرائیل برای خرابکاری در توافق هسته ای با تهران را به شکست بکشاند. شش سال پیش، باراک اوباما توسط نتانیاهو در کنگره آمریکا دقیقاً بدلیل مذاکره با ایران مورد توهین قرار گرفت، او با نگاهی تحقیر آمیز به اینکار هیچ واکنشی نشان نداد. نتانیاهو هرچه بیشتر پارس می کرد، کاروان اوباما بدون توجه به آن پیش تر می رفت. و این همان چیزی بود که سرانجام به امضای قرارداد برجام در سال ۲۰۱۵ منجر شد. امروز، سیگنالهای که از کاخ سفید می رسد متناقض است. در درجه اول به نظر می رسد در مورد مسئله ایران اختلاف نظر جدی وجود دارد: بین کسانی که می خواهند به سرعت به توافق اولیه برگردند تا بتوانند در سایر پرونده ها پیش بروند، و کسانی که برعکس، فکر می کنند که با بازگشت به توافق اولیه،

واشنگتن در آینده چیز دیگری بدست نخواهد آورد. بدین ترتیب آنتونی بلینکن ، وزیر امور خارجه امریکا، کلمه ای در مورد حمله اسرائیل به نطنز نگفت ، اما واکنش ایران را «تحریک آمیز» دانست ...

از اینرو رابطه واشنگتن با حملات اسرائیل دوگانه به نظر می رسد. بسیاری بر این باورند که دولت بایدن عمیقاً معتقد است که در لحظه ای ویژه و استثنائی قرار دارد و می تواند با تضعیف ایران ، تهران را به سازش بیشتر و در نتیجه تمایل بیشتری برای یافتن سریع نقاط مشترک در مورد ادامه مذاکرات سوق دهد. برعکس ، دیگرانی معتقدند که گروهی از اطرافیان بایدن به شدت از شرائط نگران هستند. برای آنها ، اسرائیل دقیقاً به این دلیل در نطنز خرابکاری کرد که مذاکرات در وین در حال پیشرفت بود. اینها معتقدند که اگر فرصت بازگشت به برنامه برجام از بین برود ، ممکن است به این زودی ها دوباره امکان آن پیدا نشود. و در نتیجه کار دولت بایدن را در مورد دیگر پرونده ها سنگین تر کند. اگر این گرایش در کاخ سفید مسلط شود ، اسرائیل می تواند روزهای سختی را پیش رو داشته باشد.

Yossi Melman, « Who's leaking about the Israel-Iran brawl at sea », -۱  
.Haaretz, 30 mars 2021

Cité par Amos Harel, « Israel is walking straight into an Iran crisis -۲  
.with eyes wide open », Haaretz, 14 avril 2021

.Amos Harel, Idem -۳

Ardavan Khoshnood, « The attack on Natanz and the JCPOA », BESA -۴  
.Center Perspectives, n° 997, 14 avril 2021

.Amos Harel, idem -۵

Maysam Behraves, « Nuclear sabotage could be what Iran needed », -۶  
.Foreign Policy, 13 avril 2021

« Threat assessment of the U. S. intelligence community 2021 » -۷

.Washington Post, 12 avril 2021 -۸

Ilan Goldenberg, « Returning to the Iran deal is essential for Biden's -۹  
.Foreign Policy », interview sur la chaîne publique NPR, 9 avril 2021



A été membre de la rédaction en chef du **Monde**, et  
auparavant directeur de la rédaction du **Courrier**  
(دنیالہ) ...**international**. Il est